

جستاری تحلیلی پیرامون ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری فرماندهان و مدیران نظامی در آموزه‌های قرآن کریم و نهج البلاغه

رضا فقیه زاده^{۱*}، علی فرهادی^۲، آیت الله اسماعیلی^۳

چکیده

در آموزه‌های قرآن کریم و نهج البلاغه، در خصوص شخصیت و نوع عملکرد مدیران نظامی؛ شاخصه‌هایی مطرح شده که شناسایی و تحلیل آن‌ها جهت کمک به فرایند انتخاب و مدیریت نیروهای نظامی اهمیت فراوانی دارد. اینکه چه ویژگی‌هایی به عنوان ملاک و شاخص جهت‌گزینش و مدیریت فرماندهان و مدیران نظامی در این دو منبع مهم معرفتی مطرح گردیده، مسئله تحقیق حاضر است. تحلیل این ویژگی‌ها، با انگیزه‌گزینش مدیران نظامی شایسته و مدیریت اسلامی آنان بر زبردستان، هدف پژوهش حاضر می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف، از نوع کاربردی و از نظر روش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و در دو مرحله انجام شده است؛ مرحله اول تحقیق به روش تحلیل محتوا و مرحله دوم به روش توصیفی-تفسیری است. جامعه نمونه تحقیق، قرآن کریم و نهج البلاغه می‌باشد که گزاره‌های مربوط به موضوع شناسایی و برای روایی و پایایی تحقیق، از ضریب توافق بین کدگذاران و چند سویه‌سازی منابع استفاده گردید. نتایج حاصل از بررسی و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که مهم‌ترین ویژگی‌های یک مدیر نظامی شایسته در این دو منبع مهم دینی، در دو مقوله؛ شخصیتی شامل: تعهد، قدرت علمی و جسمی، بصیرت، صبر، عالم به مواضع حق، خیرخواهی، پاک‌دلی، قدرت فهم حکم خدا و رسول (ص)؛ و رفتاری، شامل: امانت‌داری، حفظ تقوا و پرهیز از بغی و تعدی، مواسات با زبردستان، تشویق به مورد و به موقع زبردستان، دوری از سستی و لغزش و پرهیز از کندی و عجله با توجه به موقعیت، مخالفت با هوای نفس و دفاع عملی از دین و شعائر دینی قابلیت طبقه‌بندی دارد. با تحقق این دو مقوله، یک مدیر نظامی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه مقبولیت دارد. **واژگان کلیدی:** مدیران نظامی، فرمانده، قرآن کریم، نهج البلاغه، امام علی (ع)

۱. دکترای تفسیر تطبیقی، استادیار دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری (نویسنده مسئول)؛

faghihzadeh.r@yahoo.com

۲. دکترای مدیریت و استادیار دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری؛ ali_farhadi92@yahoo.com

۳- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه خاتم(ص)؛

esmaeiliyat4@gmail.com

مقدمه

امروزه ثابت شده است که مهم‌ترین عامل موفقیت سازمان‌ها، مدیریت آن‌هاست و کلید تغییر و تحول سازمان‌ها مدیران‌اند (درویشی و همکاران، ۱۳۹۹). مدیریت و فرماندهی رکن محوری نیروهای مسلح هر کشور و از مهم‌ترین شاخصه‌ها و عوامل در تعیین نتایج جنگ‌ها است؛ اثربخشی و موفقیت هر سازمان رزمی و نظامی در هر رده‌ای، ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با شیوه فرماندهی و مدیریت بر عده‌ها دارد (ایروانی، ۱۴۰۱).

در دین مبین اسلام مجاهدان در راه خدا جایگاه ویژه‌ای دارند؛ خدای متعال به خاطر ارزش والای آنان، به مرکب‌های زیرپای آنان و جرقه سُم این مرکب‌ها در برخورد با سنگ‌ها، سوگند یاد کرده است (عادیات/۱-۲) که این امر حاکی از اهمیت کار آنان و صلاحیت عقیده و عمل آنان است. در مقابل، اگر مدیران نظامی ضعیف، انحراف و یا خیانتی داشته باشند، از آنجا که عهده‌دار امر بسیار مهم تولید و حفظ امنیت جامعه‌اند، آثار بسیار سوئی در سطح جامعه و زیردستان بجا خواهند گذاشت. قدر مسلم اگر فرماندهان ناسالم بر مسندها تکیه زنند، نتیجه آن، شکست قطعی در حوزه نظامی و به تبع آن، نبود امنیت در حوزه‌های دیگر خواهد بود.

بنابراین، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری یک فرمانده نظامی بسیار مهم است، زیرا علاوه بر تأثیرگذاری در جایگاه خود شخص، یکی از عوامل موثر موفقیت و یا عدم موفقیت وی و نیروهای تحت امرش در مأموریت‌های محوله به شمار می‌آید. و لذا جهت سیر در مسیر درست فرماندهی و عدم انحراف از آن، شناسایی و تبیین ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری مدیران و فرماندهان نظامی از نگاه قرآن کریم و نهج‌البلاغه، به‌عنوان دو منبع مهم معرفت‌بخش و آموزش و نهادینه کردن این ویژگی‌ها در میان فرماندهان و مدیران نظامی، اهمیت فراوانی داشته و از لحاظ کاربردی ضروری به نظر می‌رسد، تا فرماندهان نظامی با تمسک به آن‌ها در مسیر عدالت قدم برداشته و فلاح و رستگاری خود و عزت و اقتدار ملت خود را رقم بزنند؛ این تحقیق تلاش نموده است در یک تحقیق روشمند موضوعی و به صورت تطبیقی (با مراجعه به مهم‌ترین تفاسیر فریقین و نه صرفاً یک یا دو تفسیر خاص)، ویژگی‌های یک فرمانده شایسته را از منظر قرآن کریم و نهج‌البلاغه تبیین نماید.

سوالات تحقیق:

سوال اصلی تحقیق: از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه، فرماندهان و مدیران نظامی بایستی دارای چه ویژگی‌هایی باشند؟

سوالات فرعی تحقیق:

- ویژگی‌های شخصیتی فرمانده شایسته از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه چه چیزهایی می باشد؟

- ویژگی‌های رفتاری فرمانده شایسته از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه چه چیزهایی می باشد؟

مفهوم شناسی تحقیق:

در لغت، فرمانده، یعنی کسی که بر تعدادی نظامی رهبری می‌کند (عمید، ۵۲۶: ۱۳۷۹) از نگاه اصطلاح‌شناسی، تعاریف متعددی از «فرماندهی نظامی» ارائه شده است؛ جان سی گارث (۱۳۷۵)، فرماندهی نظامی را، هنری دانسته که می‌توان آن را از طریق مطالعه، مشاهده، به‌کارگیری و تجربه آموخت، کسب کرد و توسعه داد (جعفری و زارعی، ۱۴۰۰).

حضرت علی (ع) در توصیه‌ای به خلیفه دوم در باب اهمیت زمامدار، کلامی والا ایراد فرموده که قابل تسری به فرماندهی نظامی نیز است؛ آن حضرت در کلامی حکیمانه، جایگاه فرمانده را به نقش نخ تشبیه کرده که همه مهره‌ها را در کنار هم جمع و منسجم نگه می‌دارد: «وَمَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدِّ أَفِيرِهِ أَبَدًا» (نهج البلاغه، خ ۱۴۶).

نحوه فرماندهی در موفقیت‌های یگان نظامی بسیار تأثیرگذار است. فرماندهان نه تنها تصمیمات مرتبط با مرگ و زندگی زیردستان را اتخاذ می‌کنند، بلکه مستقیماً چگونگی و کیفیت زندگی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند (رابرت^۱، ۲۰۱۸). فرمانده از آن نظر که مسئول افزایش توان رزمی کارکنان تحت امر خود است باید ناظر بر امور خانواده کارکنان نیز باشد (کهن و همکاران، ۱۳۹۴).

^۱. Roberts

در تبیین ویژگی‌های یک فرمانده، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «فرماندهی یک جوهری از رهبری در خودش باید داشته باشد و بدون آن فرماندهی نیست. فرماندهی فقط فرمان دادن نیست که بکن یا نکن. فرماندهی، یک امر معنوی، یک نوع رهبری، یک نوع اداره‌ی همه جانبه و یک چیز متکی به ذهن و احساس و عمل و جسم و روح و با سازمان دهی و شکل سازمانی صحیح است» (بیانات در دیدار فرماندهان نظامی، ۱۳۶۹/۱۰/۲۲).

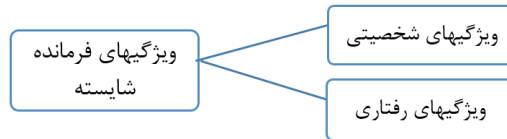
در آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح ج.ا.ا، فرماندهی اختیاری است که یک فرد در خدمت به سبب شغل، درجه و یا مسئولیتی که دارد، در راستای انجام مأموریت‌های محوله به کار می‌برد (آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح ج.ا.ا، ۱۳۶۹).

پیشینه تجربی تحقیق

نویسنده و سال	عنوان	یافته‌ها
لزگی، صافحیان، جعفری (۱۳۹۹)	مؤلفه‌های آمادگی دفاعی فرماندهی و مدیریت نظامی در نهج‌البلاغه با تأکید بر سرمایه انسانی	در مؤلفه‌های سرمایه انسانی «تقوا» با فراوانی ۱۰.۹ درصد بیش‌ترین فراوانی را نسبت به سایر مؤلفه‌ها به خود اختصاص داده - و بارزترین ویژگی فرماندهان و مدیران نظامی از نظر فراوانی در کلام حضرت علی (علیه‌السلام) است و مؤلفه «انتقادپذیری» با فراوانی ۲.۱ درصد از کمترین فراوانی برخوردار بوده‌اند.
خیر گو، عباس زاده (۱۳۹۹)	ارائه الگوی فرماندهی و مدیریت در سازمان‌های دفاعی از منظر امام علی (ع)	۶۶ مضمون فرعی بر اساس بیانات امام علی (ع) درباره فرماندهان و ویژگی‌های آن‌ها از نهج‌البلاغه استخراج شد که در ۹ طبقه منش فرماندهی، اخلاق نظامی، معیارهای شخصیتی، گزینش نظامیان، حقوق حاکم بر نظامیان، شیوه جنگاوری، رهبری نیروها، گزینش فرماندهان، حقوق نظامیان بر حاکم، طبقه‌بندی شدند.
رشید زاده، جعفری (۱۳۹۹)	ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی فرماندهی نظامی بر اساس آموزه‌های امام علی (ع)، در نهج‌البلاغه	فرماندهی نظامی امیرالمؤمنین (ع) در سطح راهبردی، دارای ۱۴ بُعد، شامل: رهبری، هدایت، ارتباط، انگیزش، اقتدار، مدیریت، شایسته‌گزینی، برنامه‌ریزی، هماهنگی، ارزیابی، کنترل، نظارت، پیگیری و تحکیم و تقویت می‌باشد.
حاجی‌پور، آیینی و اسماعیلی (۱۳۹۹)	شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای شایسته‌گزینی فرماندهان نیروی زمینی آجا با تمرکز بر آموزه‌های نهج‌البلاغه.	شاخص‌های ۲۴ گانه، در سه دسته معیارهای مکتبی، اخلاقی و سازمانی تقسیم‌بندی شدند. به‌کارگیری شاخص‌های اولویت‌بندی شده در انتخاب و انتصاب فرماندهان و مدیران ارشد نزاجا، می‌تواند این سازمان را که گستردگی آن کشور را در بر گرفته و منابع انسانی و مادی عظیمی در اختیار دارد، در شناسایی و انتصاب فرماندهان و مدیرانی لایق که بیش‌ازپیش نزاجا را در نیل به اهداف عالی سازمانی یاری رسانند،

بهره‌مند نماید.		
<p>کانونی‌ترین نقطهٔ ثقل معنویت و اخلاق، متکی بر اعتقاد به خداوند متعال - است و به تبع این باور اصیل، اصول معنوی امیرالمؤمنین (ع) در حوزهٔ فرماندهی نظامی، خدامحوری، معادباوری و ولایتمداری - است که این اصول، خود مولد اصول اخلاق توحیدی است که مهم‌ترین آن‌ها، اخلاص، حق‌مداری و عدالت - محوری می‌باشد.</p>	<p>تحلیلی بر مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در سیرهٔ فرماندهی نظامی امام‌علی(ع) در نهج‌البلاغه</p>	<p>جعفری، زارعی (۱۴۰۰)</p>

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق الگوی مفهومی تحقیق به شرح زیر می‌باشد:



شکل ۱: الگوی مفهومی تحقیق (کهن و همکاران، ۱۳۹۴)

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، از نوع کاربردی و از نظر روش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و در دو مرحله انجام شده است؛ در مرحله اول که به روش تحلیل محتوا انجام شده، با استفاده از المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم و فهرست موضوعی نهج‌البلاغه، با بررسی متن قرآن کریم و نهج‌البلاغه، آیات قرآن و فرازهایی از نهج‌البلاغه که حاوی کلمات «ملک، جند، حرب، قتل» یا هم‌خانواده‌های آن‌ها و در ارتباط صریح با ویژگی‌های فرمانده بود، شناسایی و سپس با کمک نرم افزار تحلیل داده‌های کیفی (Maxqda)، تحلیل محتوای کیفی گردید. کدگذاری در دو مرحله انجام شد، ابتدا کدگذاری باز، انجام و ویژگی‌ها، شناسایی گردید و سپس با کدگذاری محوری، با طبقه‌بندی کدهای مشابه و حذف کدهای تکراری، مقوله‌های اصلی شکل گرفتند. در مرحله دوم با هدف تبیین و توصیف دقیق این ویژگی‌ها، با بررسی و مطالعه آیات و تفاسیر مرتبط با آن‌ها و همچنین فرازهای موردنظر نهج‌البلاغه و تفاسیر مرتبط با آن‌ها، به روش توصیفی - تحلیلی، تبیین گردیدند. روش نمونه‌گیری به این صورت بوده که، آیاتی از قرآن کریم، و فرازهایی از نهج‌البلاغه که به‌طور صریح در مورد ویژگی فرماندهان نظامی بود، مورد بررسی قرار گرفته است. روایی پژوهش نیز از دو طریق انجام شده و در بخش تحلیل محتوا، بخشی از متن توسط دو کدگذار مورد بررسی قرار گرفت و ضریب توافق بین کدگذاران محاسبه گردید که بیش از ۸۰ درصد به دست آمد و در بخش توصیفی - تحلیلی نیز با روش چندسویه‌سازی منابع (استفاده از تفاسیر و ترجمه‌های مختلف) روایی پژوهش تأمین گردید؛ این امر با مراجعه به تفاسیر معتبر قرآن و

نهج البلاغه اعم از نویسندگان شیعه و سنی به صورت تطبیقی انجام گرفته است. علاوه بر موارد فوق، نکات ذیل نیز قابل توجه است: ۱- با سیری در آیات قرآن کریم و نهج البلاغه می توان در خصوص ویژگی های مدیر به طور عامّ موارد دیگری را نیز پیدا نمود ولی در این تحقیق صرفاً گزاره هایی که به طور صریح در مورد فرماندهان نظامی یا در امور جنگ مطرح گردیده، مورد تحلیل قرار گرفته اند. ۲- در این تحقیق به دلیل اهمیت توجه به نحوه چینش کلمات در سیاق متصل، ویژگی هایی که باهم در یک سیاق آمده هم زمان تبیین گردیده و از هم جدا نشده اند. ۳- در ترجمه قرآن، اغلب از ترجمه مکارم شیرازی و در ترجمه نهج البلاغه؛ به صورت ترکیبی و با دخل و تصرف هایی، از ترجمه های: مکارم شیرازی، دشتی، فولادوند و فیض الاسلام؛ به انگیزه ارائه ترجمه دقیق استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته ها

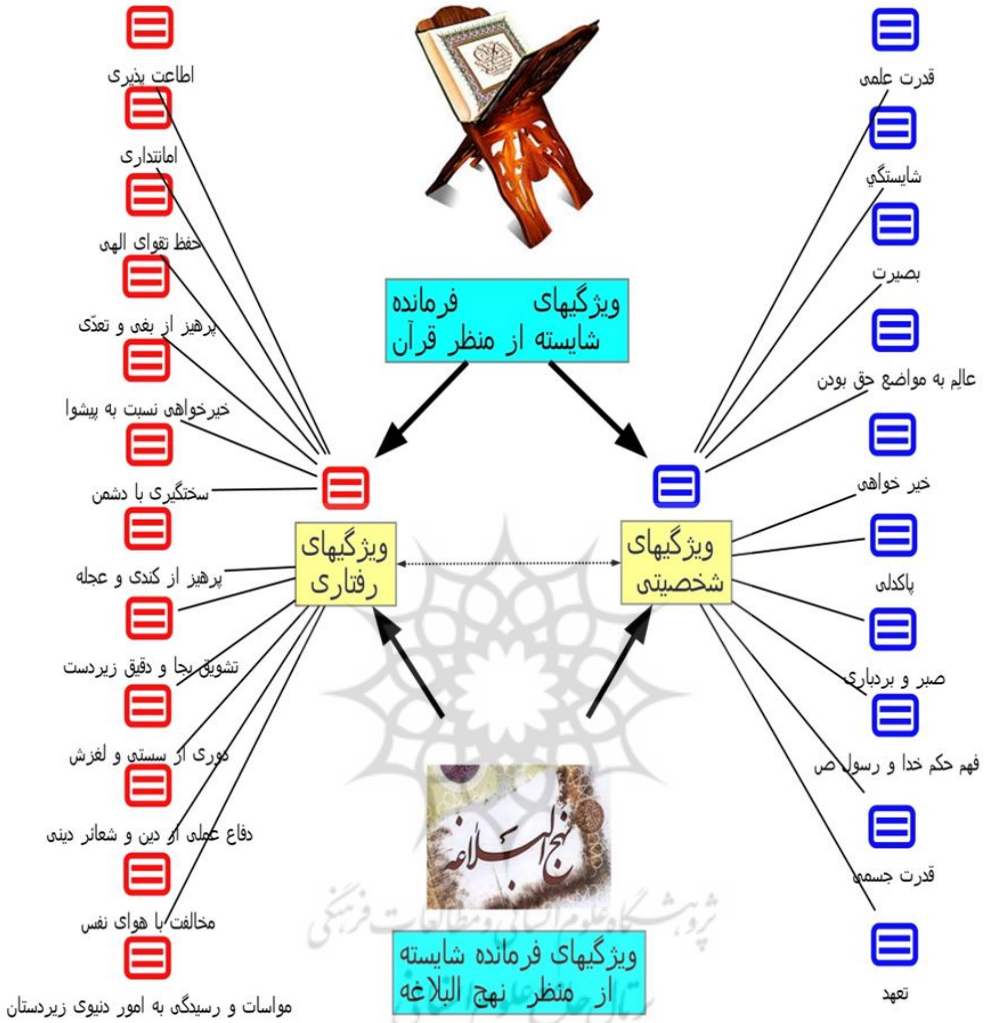
مرحله اول: در مرحله اول تحقیق، با کدگذاری باز آیات قرآن کریم و نهج البلاغه به شرح جدول ذیل، ویژگی های فرماندهان از منظر این اسناد شناسایی گردید.

جدول ۱: نمونه کدگذاری باز آیات قرآن کریم و نهج البلاغه

کد	متن منتخب از قرآن کریم و نهج البلاغه
تعهد و شایستگی قدرت علمی قدرت جسمی	«... قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ...» (بقره/۲۴۷)
امانت داری	«... وَ بَادَأْتَهُمُ الْإِمَانَةَ إِلَى صَاحِبِهِمْ وَ خِيَانَتِكُمْ...» (خطبه/۲۵)
خیرخواهی نسبت به امام؛ سرسختی با دشمنان وی	«إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَكَلَيْتُهُ أَمْرَ مِصْرَ كَانَ رَجُلًا لَنَا نَاصِحًا وَ عَلَيَّ عَدُوًّا شَدِيدًا نَاقِمًا» (نامه/۳۴)
تقوای الهی	«اتَّقِ اللَّهَ الَّذِي لَا بُدَّ لَكَ مِنْ لِقَائِهِ...» (نامه/۱۲)
خیرخواه،	«... قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِإِمَامِكَ وَ

پاک دل	«أَطْهَرَهُمْ» [أَنْقَاهُمْ جَبِيًّا...» (نامه/۵۳)
بصیرت و صبر و علم به مواضع حق	«...وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمُ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ [بِمَوَاقِعِ] بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ...» (خطبه/۱۷۳)
فهم حکم خدا و رسول (ص)	«وَأَرَدُّ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا يَضِلُّكَ مِنَ الْخُطُوبِ وَيَشْتَبِهَ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ» (نامه/۳۱)
مخالفت با هوای نفس؛ دفاع عملی از دین و شعائر دینی	«... فَأَنْتَ مَحْقُوقٌ أَنْ تُخَالَفَ عَلَى نَفْسِكَ وَأَنْ تُتَافِحَ عَنْ دِينِكَ ... وَ لَا تُسَخِّطِ اللَّهَ بِرِضَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ ... صَلِّ الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا...» (نامه/۲۷)
پرهیز از بغی و تعدی	«...وَلَا تُقَاتِلَنَّ إِلَّا مَنْ قَاتَلَكَ...وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ شَنَايَهُمْ عَلَى قِتَالِهِمْ...» (نامه/۱۲)
دوری از سستی و لغزش پرهیز از کندی و عجله	«فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا يَخَافُ وَهْنَهُ وَلَا سَقَطَتَهُ وَلَا بَطُوهُ عَمَّا الْإِسْرَاعِ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ وَلَا إِسْرَاعَهُ إِلَى مَا الْبُطَاءُ عَنْهُ أَمْثَلُ» (نامه/۱۳)
مواسات با زبردستان	«وَلَيْكُنْ أَثَرُ رُءُوسِ جُنْدِكَ عِنْدَكَ مِنْ وَأَسَاهُمْ فِي مَعُونَتِهِ...» (نامه/۵۳)

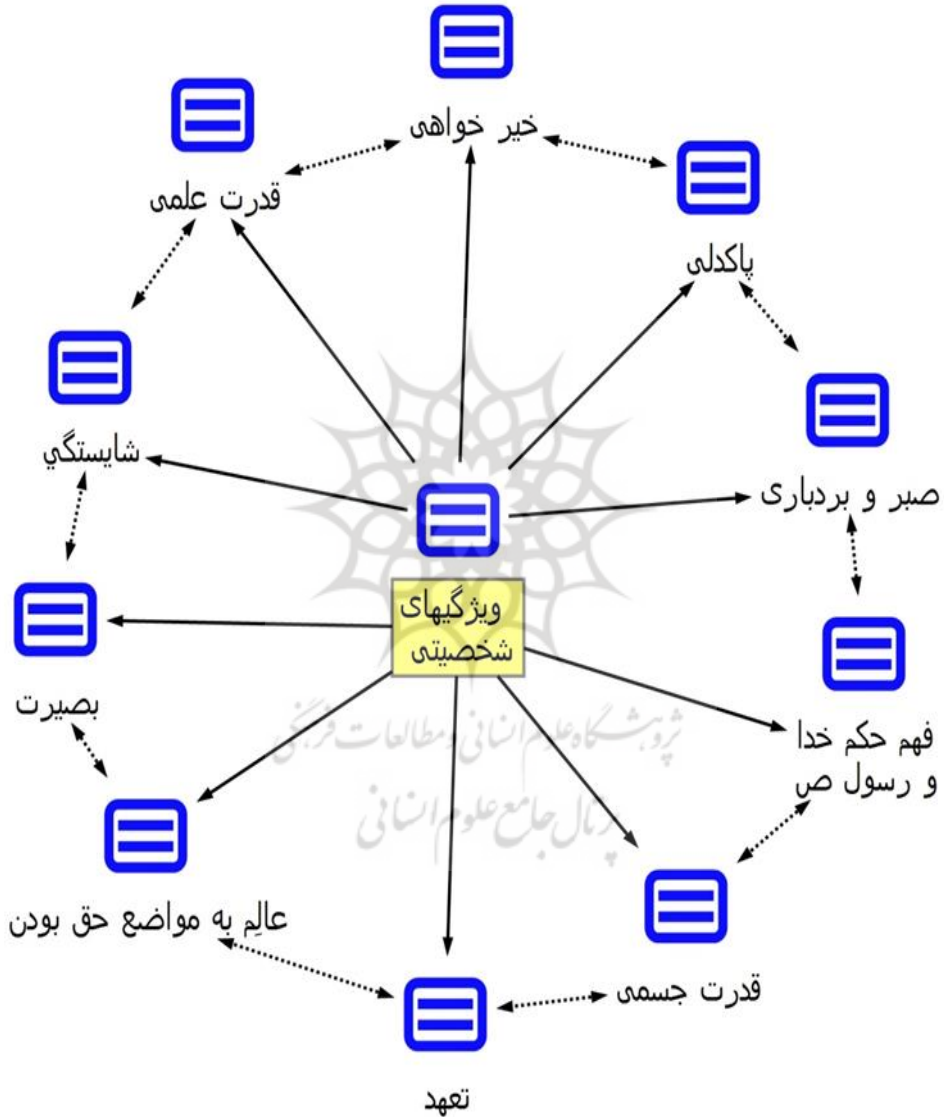
پس از شناسایی ویژگی‌های فرمانده شایسته، با حذف کدهای تکراری و با مقوله بندی آنها در نرم افزار، این ویژگی‌های در ذیل دو مقوله اصلی، به شرح نمودار زیر طبقه بندی گردیدند.



نمودار ۲: الگوی ویژگی‌های فرمانده

مرحله دوم؛ در مرحله دوم با مراجعه به تفاسیر مختلف قرآن و نهج البلاغه، یافته‌ها به شرح زیر توصیف و تبیین گردیدند.

الف) ویژگی‌های شخصیتی



شکل ۳: ویژگی‌های شخصیتی فرمانده

داشتن تعهد و شایستگی لازم و قدرت علمی و جسمی^۱

از منظر قرآن کریم، از جمله ویژگی‌های مهم یک فرمانده شایسته در میدان عمل، انتساب به هدایت و اصطفای الهی و داشتن قدرت علمی و جسمی است. در داستان فرماندهی طالوت این‌گونه آمده است: «... قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ...» (بقره/۲۴۷)

پیامبر بنی‌اسرائیل، پس از درخواست بزرگان آنان برای تعیین فرمانده لشکر برای مبارزه با ستمگران و تأکید آنان بر پایداری در نبرد، فرمود که خداوند طالوت را برای فرماندهی آنان برگزیده است و برای جلوگیری از نافرمانی احتمالی، مبعوث شدن طالوت از طرف خداوند را گوشزد کرد. در مقابل، بزرگان و اشراف بنی‌اسرائیل بر اساس تکبر و خودبرتربینی برخاسته از تفکرات باطل که خود را مُحِق بر حکومت و فرماندهی دانسته و وسعت مالی را دلیلی بر آن می‌گرفتند، به انتخاب طالوت اعتراض کردند. پیامبرشان در جواب محتوای آیه اخیر را به آنها تذکر می‌دهد.

یعنی اولاً محور شایسته بودن افراد، اصطفای و گزینش الهی است که در سایه تقوا حاصل می‌شود؛ ثانیاً نداشتن امکانات فراوان مالی، مایه نداشتن قدرت فرماندهی نیست، زیرا فرمانده باید همراه تقوای الهی، دو ویژگی تخصص علمی جهت کارآمدی و آگاهی به مسائل جنگی و توان بدنی جهت هدایت عملیات را داشته باشد و خداوند هر دو را به طالوت مرحمت کرده بود. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷، ش: ۶۳۹/۱۱-۶۴۱؛ همین‌طور نک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ق: ۲۸۷/۲؛ مراغی، ۱۹۸۵ م: ۲/۲۱۸) در خصوص این آیه شریفه نکات ذیل شایان توجه است:

۱. اکثر مفسران با عنایت به این آیه شریفه توانایی علمی و جسمی را از شروط لازم و اساسی اهلیت برای حکومت، امامت و رهبری و فرماندهی دانسته‌اند (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۲/۲۹۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ق: ۱/۲۹۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ق: ۵/۶-۵۰۴).

۲. در ذکر ویژگی‌های فرمانده، چون علم مبسوط اهمیت بیشتری دارد، پیش از نیروی بدنی آمده است: «و زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷، ش: ۶۳۹/۱۱-۶۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ش: ۲/۲۳۸)؛ یعنی در انتخاب فرمانده، عالم بودن او بیشتر از توانایی جسمانی‌اش اهمیت داشته و جزو شرایط ضروری برای انتخاب فرمانده است.

^۱ در این تحقیق به دلیل اهمیت توجه به نحوه چینش کلمات در سیاق متصل، ویژگی‌هایی که با هم در یک سیاق آمده هم‌زمان تبیین گردیده و از هم جدا نشده‌اند.

۳. جمله «و زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ» که بر آگاهی و تخصص طالوت به‌عنوان فرمانده لشکر دلالت دارد، نسبت به مسائل جنگ و نقشه‌های نظامی و رشته افسری و فرماندهی نص است و نسبت به سایر رشته‌های علوم اسلامی کشورداری ظهور اطلاقی دارد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷ ش: ۱۱/۶۳۹-۶۴۱). منظور از اینکه نص است یعنی وجوب آن را افاده می‌کند.

۴. با عنایت به روایاتی که ذیل آیه شریفه آمده (نک: ابن بابویه، ۱۳۷۸ ش: ۱/۲۲۱)؛ هدایت دیگران به‌سوی حق منحصرأ در اختیار مہتدی بالذات یعنی خداوند سبحان است. غیر خدا وقتی می‌تواند هادی دیگران باشد که از مہتدی بالذات هدایت یابد. در جهان امکان و بین افراد مختار، انسان‌های معصوم (ع) که نگار به مکتب نرفته‌اند و به غیر خداوند نیازی ندارند، شایسته هدایت دیگران‌اند. هیچ‌گاه غیر معصوم مانند معصوم استحقاق هدایت جامعه را نخواهد داشت. غیر معصوم تا به دست معصوم مہتدی نشود، صلاحیت هدایت کسی را ندارد. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷ ش: ۱۱/۶۴۸-۶۴۹) نتیجه موضوعی آنکه فرمانده غافل از معارف و حیانی و آموزه‌های ائمه اطهار (ع)، خارج از صراط هدایت بوده، صلاحیت احراز پست فرماندهی را ندارد.

۵. از بعد عقلی نیز فهم و تعهد دینی و دارا بودن قدرت علمی و جسمی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. فهم دینی به انسان بصیرت داده و قدرت تشخیص حق و باطل را می‌دهد که با علم در یک راستا می‌باشد، ولی بدون داشتن قدرت اجرایی، هیچ ضمانت اجرایی ندارد. برعکس آن نیز همینطور است.

اهل بصیرت و صبر و عالم به مواضع حق بودن

یکی دیگر از مواردی که به برخی از ویژگی‌های فرماندهی، مخصوصاً در مواقع فتنه اشاره کرده قبل از جنگ جمل و از زبان مبارک امام علی (ع) مطرح گردیده است. آن حضرت در خصوص پرچم‌داری در جنگ بین اهل قبله می‌فرماید: «... وَ قَدْ فُتِحَ بَابُ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقِبْلَةِ وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ وَ الْعِلْمِ [بِمَوَاقِعِ] بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ...» «هم‌اکنون آتش جنگ بین شما و اهل قبله شعله‌ور شده است و این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه و با استقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند» (خطبه/۱۷۳)

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح این جمله حضرت امیر (ع)، می‌گوید: مسلمانان قبل از جنگ جمل کیفیت قتال با اهل قبله را نمی‌شناختند و از شافعی نقل می‌کند که اگر علی (ع) نبود چیزی از احکام اهل طغیان شناخته نمی‌شد. بعد ادامه می‌دهد که جنگ با اهل قبله برای مسلمین سنگین می‌آمد و با خوف و حذر در این راه قدم می‌گذاشتند؛ حضرت فرمود، هرکسی نمی‌تواند

حامل این علم باشد بلکه مخصوص قومی خاص است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۳۳۱/۹؛ نک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷ ش: ۵۱۱/۶). علامه مجلسی با توجه به نحوه اعراب «علم» به دو جور معنا کرده: اول اینکه وجوب قتال اهل قبله و موقع و شرایط آن دانسته نمی‌شود. دوم اشاره به جنگ با اهل قبله و قیام به آن است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۵۱/۳۴)؛ که در هر دو صورت صرفاً کسانی لیاقت تشخیص و نیز هدایت دیگران را دارند که آدم‌های بصیر و صبور و عالم به محل حق باشند. در خصوص این شاخصه‌های مطرح‌شده، نکات ذیل قابل ذکر است:

۱. واژه «بصیرت» از ریشه «ب - ص - ر» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۶۵-۶۴/۴) به معنای درک قلب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۱۲۷)

۲. داشتن بصیرت در آموزه‌های دینی جایگاه بسیار بالایی دارد، بطوری که آیات متعددی در قرآن کریم بر اهمیت بصیرت تحت عناوین: بصیرت خداوند، بصیرت طبیعت، بصیرت کتب آسمانی، بصیرت انسان و... تأکید دارد (نک: مجادله/۱؛ نور/۴۱؛ انعام/۱۰۴؛ انسان/۲؛ سبأ/۴۶؛ زخرف/۲۲) از جمله این آیه شریفه: «بَلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...» (یوسف/۱۰۸)؛ طبق این آیه شریفه پیامبر (ص) می‌فرماید دعوت من و پیروانم به سوی خدا بر اساس بصیرت است (طوسی، بی تا: ۲۰۵/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۵۰۸/۲). که این جمله نشان می‌دهد رهبر باید دارای بصیرت و بینایی و آگاهی کافی بوده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۹۴/۱۰)، پیروان پیامبر هم باید با بصیرت و آگاهی مردم را به سوی خدا دعوت کنند؛ لذا یک فرمانده و مدیر اسلامی نمی‌تواند از این قاعده مستثنی شده و با جهل خود و یا تحمیق دیگران، کارها را پیش ببرد. به تعبیر امام صادق (ع): «عمل‌کننده بدون بصیرت همچون رونده در بیراهه است، سرعت حرکتش زیاد نمی‌شود مگر اینکه از مسیر اصلی دورتر می‌گردد» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ ق: ۳۶۲)

۳. صبر، از عظیم‌ترین ملکات و حالات نفسانی است که قریب به هفتاد مورد در قرآن کریم ستوده شده و مکرر بدان امر شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۳۴۴). به عنوان نمونه: در آیه‌ای که در سیاق آیات مربوط به جنگ است، خدای متعال به صراحت بندگان خود را به استعانت از صبر دعوت فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...» (بقره/۱۵۳) و از آنجاکه مقام آیه مورد بحث مقام برخورد با مواقف هول‌انگیز و هم‌آوردی با شجاعان است و در این مقام اهتمام ورزیدن به صبر مناسب‌تر است، در آخر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱/۳۴۵؛ همین‌طور نک: فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۲۴/۴) تمام پیروزی‌هایی که نصیب پیامبر و مسلمانان

نخستین شد در سایه همین صبر بود و امروزه نیز بدون آن غلبه بر دشمنان فراوان و مشکلات زیاد ممکن نیست (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۱۳۴/۲۰).

۴. قدرت علمی بر تشخیص حق و باطل نیز بسیار اهمیت داشته و در میان فتنه، به تشخیص فتنه گران کمک شایانی می‌کند. بنابراین برای یک فرماندهی که در شرایط بحرانی و جنگی، سروکارش با مرگ و زندگی آدمیان است داشتن این اوصاف، ضروری بوده تا دچار انحراف نشده و مقتدرانه در مسیر هدایت قدم بردارد.

خیرخواه، پاک دل و بردبار بودن

امام علی (ع) در بخشی از عهدنامه معروف خود به مالک اشتر، آنجا که در خصوص لشکریان سخن می‌گوید، برای انتخاب فرماندهان آن‌ها، شاخصه‌هایی مطرح فرموده که برای انتخاب فرماندهان اسلامی و در کل نظامیان بسیار مهم است؛ آن حضرت به مالک می‌فرماید: «...قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِإِمَامِكَ وَ أَلْطَهْرَهُمْ أَوْ أَنْقَاهُمْ جَيْبًا وَ أَفْضَلَهُمْ حِلْمًا مِمَّنْ يُبْطِئُ عَنِ الْعُضْبِ وَ يَسْتَرِيحُ إِلَى الْعُدْرِ وَ يَرَأْفُ بِالضَّعْفَاءِ وَ يَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ وَ مِمَّنْ لَا يَثِيرُهُ الْعُنْفُ وَ لَا يَقْعُدُ بِهِ الضَّعْفُ...» (نامه/۵۳)

صفاتی که حضرت امیر(ع) برای استحقاق مقام ولایت و فرماندهی بر سایرین مطرح فرموده، عبارت‌اند از: ۱- برای خدا و رسول و امام واجب‌الاطاعه، خیرخواه‌تر و فرمان‌بردارتر از سایر افراد باشد. ۲- طاهرترین افراد لشکر از لحاظ قلبی و ظاهری و اجتناب از فواحش و منکرات باشد. برخی از شارحان نهج‌البلاغه "الطهرهم جيبا" (ابن ابی الحديد، ۱۴۰۴ ق: ۱۷/۵۲) و به نقلی "ناصح الجيب" (ابن میثم بحرانی، ۱۳۶۲ ش: ۵/۱۶۱) را کنایه از پاک‌دامنی و امین و امانت‌دار بودن گرفته‌اند. ۳- ثابت‌ترین آنان در حلم و بردباری و تسلط بر نفس در مقابل فوران غضب باشد، بطوری که جبروت امارتش او را به‌سوی ارتکاب رفتار تند نسبت به کسی که مخالف هوای او عمل کرده نکشاند. کما اینکه اقتضای طبع امراء و اصحاب قدرت و صاحبان قدرت و نفوذ چنین است. ۴- از کسانی باشد که عذر مرتکب خلاف را بپذیرد و به عفو و گذشت از گنه‌کار متصف باشد. ۵- در مقابل دشمنان با شدت و قاطعیت، ولی در مقابل ضعفاء، رقیق‌القلب و رؤوف باشد، همان‌گونه که خداوند مؤمنان را این‌گونه وصف کرده: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹)؛ ۶- در مقابل اقویای متعددی بر ضعفاء، مقاوم باشد. ۷- در مقابل شدائد، حلیم بوده و شدت پیشامدها و سختی حوادث او را به تجاوز نکشاند. ۸- ناتوانی و ضعف نفس، او را از کار و تدبیر امور باز ندارد (ر.ک: هاشمی خویی، ۱۴۰۰ ق: ۲۰۶/۲۰-۲۰۵؛ ابن ابی الحديد، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۷/۵۳-۵۲).

اما تشخیص چنین افرادی چگونه ممکن است؟ حضرت امیر(ع) برای تشخیص چنین افرادی با چنین صفات عالی نفسانی، می‌فرماید: «جهت انتخاب فرماندهان لشکر به سراغ کسانی برو و با کسانی ارتباط برقرار کن که دارای شخصیت و اصالت خانوادگی و از خاندان‌های صالح و خوش سابقه باشند؛ و اهل رفعت و برازندگی و شجاعت و سخاوت و بزرگواری باشند؛ که همانا آنان کانون کرامت و شاخه‌های نیکی و شایستگی هستند» (نامه/۵۳؛ همین‌طور ر.ک: هاشمی خویی، ۱۴۰۰ ق: ج ۲۰/۲۱۲-۲۰۷؛ انصاریان، ۱۳۶۶ ش: ۳/۲۵۵؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰ ش: ۴۶۶/۱۰-۴۶۷)

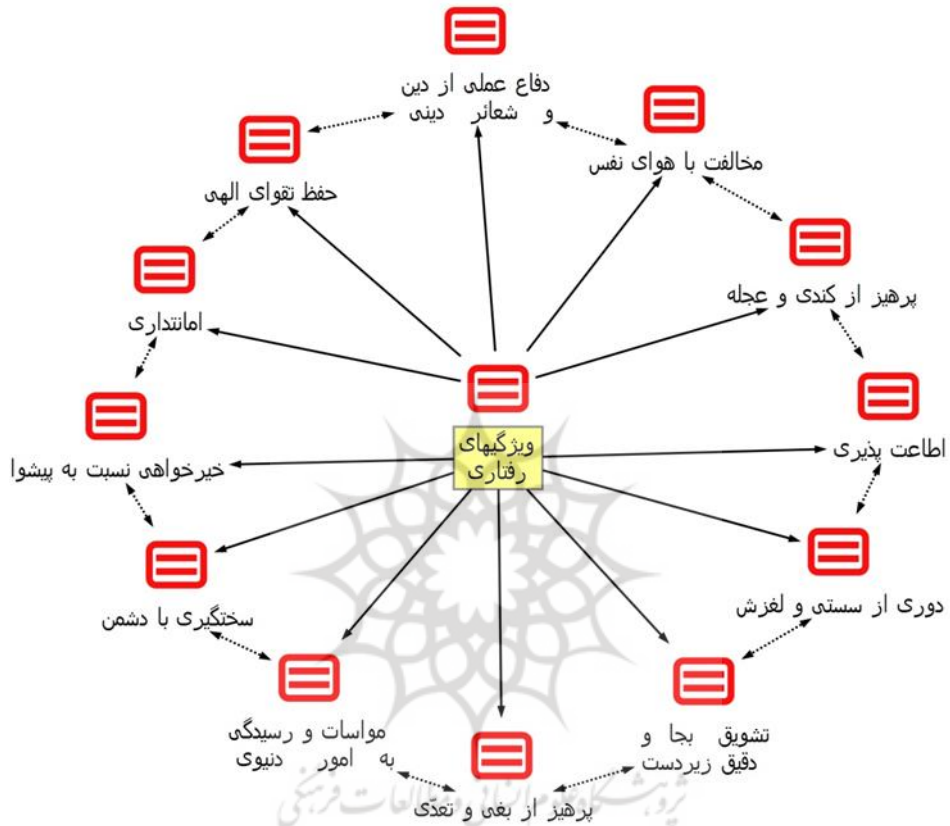
فهم حکم خدا و رسول (ص)

دیگر شاخصه‌ای که می‌توان از بیانات حضرت امیر (ع) برای یک فرمانده شایسته استخراج کرد، داشتن انگیزه و قدرت فهم حکم خدا و رسول است. همان‌گونه که آن حضرت در آخر توصیه‌هایش نسبت به امور لشکر می‌فرماید: «وَ ارْدُدْ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ مَا يُضْلِعُكَ مِنَ الْخُطُوبِ وَ يَشْتَبِيهِ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ [سُبْحَانَهُ] تَعَالَى لِقَوْمٍ أَحَبَّ إِرْشَادَهُمْ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ (نساء/۵۹) فَالرُّدُّ إِلَى اللَّهِ الْأَخْذُ بِمُحْكَمِ كِتَابِهِ وَ الرَّدُّ إِلَى الرَّسُولِ الْأَخْذُ بِسُنَّتِهِ الْجَامِعَةِ غَيْرِ الْمُفْرَقَةِ» (نامه/۳۱) تدبیر در این بخش از پیام حضرت امیر(ع) نکات ذیل را برای ما یادآوری می‌کند:

۱- امام (ع) در این بخش به تبیین وظیفه مالک در مسائل مربوط به احکام شرع و به اصطلاح شبهات حکمی می‌پردازد و راه کشف احکام الهی در مسائل مربوط به لشکر، جنگ و صلح و... را به او نشان می‌دهد (نک: هاشمی خویی، ۱۴۰۰ ق: ۲۲۷/۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ ش: ۴۸۰/۱۰) و آن، اول اطاعت مطلق از خدا و پیامبر(ص) و ائمه معصوم(ع) است. دوم بازگرداندن اختلافات به محکمت آیات الهی و سنت قطعی رسول‌الله(ص) است. بنابراین یک فرمانده وظیفه دارد ضمن اطاعت از خدا و رسول و ائمه معصوم (ع) قدرت فهم نظر آنان در امور پیش آمده را داشته باشد و یا با استفاده از نظرات کارشناسان خبره این عرصه از جمله نظرات مراجع، حکم دین را در مسائل پیش آمده بداند.

۳- در اختلافات پیش آمده، حضرت امیر(ع) تذکر مهم دیگری می‌دهد مبنی بر اینکه در آیات قرآن سراغ محکمت آن‌ها برود که قدرت فهم همگانی آن‌ها مهیاست و نه متشابهات، که برخی به علت فهم پایین، دچار شبهه و اختلاف دیگری بشوند. در مورد سنت پیامبر(ص) نیز دنبال آن‌هایی برود که مورد اتفاق همه بوده و اختلافی نباشد که خود سبب تفرقه شود (ر.ک: هاشمی

ب) ویژگی‌های رفتاری



نمودار (۳) ویژگی‌های رفتاری

اطاعت‌پذیری و امانت‌داری

اطاعت از امام و پیشوای برحق و امانت‌داری یکی از وظایف مهم همه بندگان الهی و به طریق اولی از وظایف مهم یک فرمانده می‌باشد. فرمانده در کنار اطاعت‌پذیری محض از پیشوای برحق، نسبت به نفرات زبردست، بیت‌المال و تجهیزات و به‌طور کلی جان و مال و ناموس منطقه تحت اختیار خود، مسئول بوده و بایستی امانت‌دار واقعی، با توجه به اختیاراتش باشد.

در آموزه‌های دینی نسبت به امانت‌داری و عدم خیانت فرمانداران و فرماندهان تأکیدات فراوانی شده است. به‌عنوان نمونه زمانی که گزارش‌های پیاپی از شکست یاران امام علی (ع) به کوفه

می‌رسید و عبید الله بن عباس و سعید بن نمران، فرماندهان امام(ع) در یمن از بسر بن ابی ارقطاه، شکست خورده به کوفه برگشتند. آن حضرت در ضمن خطبه‌ای فرمودند: «... سوگند به خدا می‌دانستم که مردم شام به‌زودی بر شما غلبه خواهند کرد. زیرا آن‌ها در یاری کردن باطل خود، وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرقید؛ شما امام خود را در حق نافرمانی کرده و آن‌ها امام خود را در باطل فرمان‌بردارند؛ آن‌ها نسبت به رهبر خود امانت‌دار و شما خیانت‌کارید...» (نهج‌البلاغه، خ ۲۵، ص ۷۲) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود حضرت امیر (ع) یکی از دلایل شکست فرماندهان و لشکریان خود در مقابل لشکر معاویه را در کنار تفرقه و نافرمانی امام برحق، عدم امانت‌داری آنان تذکر داده است.

اطاعت‌پذیری اهل ایمان از امام برحق و امانت‌داری آنان در آیات قرآن کریم نیز به‌صراحت تذکر داده شده است؛ مانند این آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) که اطاعت‌پذیری از خدا و رسول و ائمه معصوم(ع) را تذکر می‌دهد.^۱

همین‌طور از نگاه قرآن کریم بهترین کس برای استخدام جهت انجام امور، قدرتمندی و امانت‌داری است: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص/۲۶) واژه امانت ضد خیانت(ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۲۱/۱۳) و از «امن» که در اصل به معنی طمأنینه نفس و از بین رفتن خوف است(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۹۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ ش: ۱۵۰/۱) گرفته شده است. در خصوص این آیه شریفه نکات ذیل قابل توجه است:

۱. گفته شده، این سخن دختر شعیب(ع) در خصوص شرایط یک مجری، از سخنان بسیار بلیغ، حکیمانه، جامع و کامل بوده که اگر در کسی جمع شود، مقصود از به‌کارگیری او حاصل است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۷ ش: ۲۱۶/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۴۰۳/۳؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۴۳/۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۶۷/۱۶)

۲. از آنجا که کلمات قوی و امین به طور مطلق در کنار هم آمده، حاکی از انواع قدرت معنوی و مادی و امانت‌داری است، به‌عنوان نمونه: قدرت بر حفظ تقوای الهی، قدرت تحمل مشکلات، قدرت جلوگیری از خشم و غضب و شهوت، قدرت علمی و جسمی، امین بودن نسبت به جان و

^۱ - به دلیل اینکه اطاعت اولی الامر با اطاعت رسول(ص) هم‌سنخ بوده و مطلق آمده، حاکی از عصمت آنان است؛ (نک: طوسی، بی‌تا: ۲۳۶/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۱۰۰/۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۱۲/۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۴۶۳/۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۳۹۹/۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۲۳۷/۱۹-۲۴۱)

مال و آبرو و ناموس مردم و حفظ حدود و ثغور اسلامی و بیت‌المال و... می‌باشد. جواب دختر شعیب به پدرش که امانت‌داری او را از کجا فهمیدی؟ مبنی بر عدم اجازه موسی (ع) به وی برای حرکت در جلوی او و بلکه راهنمایی از پشت سر موسی (ع) (قمی، ۱۳۶۷، ش: ۱۳۸/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ق: ۸۷/۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ق: ۲۹۶۷/۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ق: ۱۲۴/۵) شایان توجه و قابل تأمل است.

۳. قدرت اجرایی و امانت‌داری از جمله شروط لازم برای پذیرش مسئولیت و لازم و ملزوم یکدیگرند زیرا بدون قدرت، اعمال مدیریت ممکن نیست و بدون امانت‌داری، حفظ مدیریت مقدور نیست.

۴. در شریعت اسلام امانت از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار بوده و قرآن کریم ضمن اینکه یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین را امانت‌داری آنان دانسته (مؤمنون/ ۱ و ۸)؛ در آیات متعددی مسلمانان را به حفظ و بازگرداندن امانت به صاحبانش سفارش کرده (نساء/ ۵۸) و خیانت‌در امانت به هر صورتی حرام اعلام شده است (انفال/ ۲۷؛ نک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ق: ۴۷۵/۱۵؛ ابن عاشور، بی تا: ۷۷/۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ق: ۵۴/۹) صاحبان امانت هم اختصاص به نیکوکار ندارد، بلکه فاجر را نیز در برمی‌گیرد، چنان‌که حضرت امیر(ع) از پیامبر(ص) نقل کرده است (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ق: ۱۷۵؛ طبری آملی، ۱۳۸۳، ق: ۲۹).

۵. در سیره علمی و عملی پیشوایان معصوم دینی نیز نسبت به ادای امانت تذکرات و تأکیدات فراوانی دیده می‌شود (نک: ابن بابویه، ۱۳۷۶، ش: ۲۴۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ق: ۷۵/۱۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ق: ۱۳۳/۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ق: ۲۰۹؛ مفید، ۱۴۱۳، ق: ۲۴۱).

۶. اگر این امانت یک گروهی از مسلمانان، یک لشکر و یا یک ملت باشد، قضیه مهم‌تر بوده و حساسیت و مراقبت بیشتری را می‌طلبد. لذا حضرت امیر(ع) می‌فرماید: «... به یقین بزرگ‌ترین خیانت! خیانت به امت و رسواترین غش و تقلب، غش و تقلب با ائمه است» (نامه/ ۲۶)

بنابراین یک فرمانده و مدیر اسلامی بایستی در تمام شئون فردی و اجتماعی، قادر بر حفظ تقوای الهی و امین و امانت‌دار خدا و پیامبر و پیشوایان خود و همین‌طور امانت‌دار جان و مال و آبروی افراد تحت فرمان خود باشد و الا صلاحیت فرماندهی و مدیریت از او سلب می‌شود.

حفظ تقوای الهی و پرهیز از بغی و تعدی

در آموزه‌های دینی به حفظ تقوای الهی و عدم تعدی بر دیگران حتی در میدان جنگ تأکید شده است. به‌عنوان نمونه حضرت امیر(ع) در ضمن دستورالعمل نظامی به معقل بن قیس رباحی، می‌فرماید: «أَتَقِيَ اللَّهَ الَّذِي لَا بُدَّ لَكَ مِنْ لِقَائِهِ وَ لَا مُنْتَهَى لَكَ دُونَهُ وَ لَا تُقَاتِلَنَّ إِلَّا مَنْ قَاتَلَكَ... وَ لَا يَحْمِلَنَّكُمْ شَنَاؤُهُمْ عَلَى قِتَالِهِمْ قَبْلَ دَعَائِهِمْ وَ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ» (نامه/۱۲) حضرت امیر(ع) در این بخش از نامه، ضمن دعوت به تقوای الهی، از بغی و تعدی و تجاوز به حریم حتی دشمن، قبل از آنیکه آنان شروع به جنگ نمایند و قبل از آنیکه بر آنان اتمام حجت شود، بر حذر می‌دارد(ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۹۳/۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ ش: ۱۶۶/۹ و ۱۶۹). (همین‌طور نک: نهج‌البلاغه، نامه ۵۶، ص ۵۹۴)

حفظ تقوای الهی و پرهیز از بغی و تعدی یکی از مهم‌ترین توصیه‌هایی است که در فرازهای متعددی از نهج‌البلاغه به آن توصیه گردیده است. در دین مبین اسلام ظلم حتی بر دشمن و کافر نیز روا نیست(نک: کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲۳۳/۲-۳۳۱). طبیعی هم هست چراکه نسبت به اهتمام به این امر، قرآن کریم تأکید مضاعف دارد. همان‌گونه که بغض و کینه کسی نبایستی باعث بی‌تقوایی و مانع عدالت و رزی شود(مائده/۸)؛ ملاحظات خویشاوندی و یا توجه به فقر و غنای کسی نیز نباید جلوی عدالت محوری را بگیرد(نساء/۱۳۵). این مطالب حاکی از اهمیت عدالت و رزی و حفظ تقوا توسط همگان بوده که در راستای صلاح و فلاح فرد و جامعه می‌باشد؛ و مطمئناً با توجه به مأموریت فرماندهان نظامی، از ضروری‌ترین ویژگی‌های آنان به شمار می‌آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

خیرخواهی نسبت به پیشوا و سختگیری با دشمن

حضرت امیر (ع) در وصف مالک اشتر فرمانده شایسته خود وقتی او را به سمت مصر می‌فرستد، این چنین می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَلِيَّتُهُ أَمْرَ مِصْرَ كَانَ رَجُلًا لَنَا نَاصِحًا وَعَلَى عَدُوِّنَا شَدِيدًا نَاقِمًا» (نامه/۳۴): «همانا مردی را فرماندار مصر قرار دادم، که نسبت به ما خیرخواه و به دشمنان ما سخت‌گیر و درهم کوبنده بود»

در این فراز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عملی فرمانده بیان گردیده است. فرمانده شایسته باید خیرخواه رهبرش بوده و نسبت به دشمنان رهبرش سخت‌گیر و در هم کوبنده باشد، نه اینکه در مقابل رهبرش گستاخی نموده و در مقابل دشمنان وی زبونی به خرج دهد (نک: خوئی، ۱۴۰۰، ج ۲۰: ۵۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۱۴۴). این خصلت مؤمن واقعی نیست. به تعبیر قرآن کریم: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹)

مواسات و رسیدگی به امور دنیوی زبردستان

حضرت امیر (ع) ضمن دستور به مالک اشتر جهت بررسی پدران و مادران امور لشکریان (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ق: ۵۳/۱۷؛ کنایه از نهایت شفقت نسبت به آنان؛ ابن میثم بحرانی، ۱۳۶۲، ش: ۱۶۱/۵) و رسیدگی بی‌منت بر امور کوچک و بزرگ آنان که باعث خیرخواهی و حسن ظن آنان می‌شود، در ادامه عهدنامه مالک به او می‌فرماید: «برترین فرماندهان لشکر نزد تو، باید کسانی باشند که در کمک به سپاهیان بیش از همه مواسات کنند و از امکانات خود بیشتر به آنان کمک نمایند، به اندازه‌ای که هم نفرت سربازان و هم کسانی که تحت تکفل آن‌ها هستند به خوبی اداره شوند؛ به گونه‌ای که همه آن‌ها به یک چیز بیندیشند و آن جهاد با دشمن است» (نامه/۵۳). با توجه به این فراز نکات ذیل قابل تأمل هستند:

۱. در سیره امام علی (ع)، همدردی و کمک به زبردستان یک اصل ارزشی بسیار بالا بوده که حتی در بین فرماندهانی هم که با آن صفات والا گزینش می‌شوند، آنانی در صدر قرار دارند که به این اصل مهم توجه داشته و مواسات بیشتری با زبردستان خود دارند.

۲. آن حضرت در نامه‌ای هم که به محمد بن ابی بکر زمانی که او را به‌عنوان فرماندار به مصر فرستاد، در همان اول نامه وی را به تواضع و مهربانی و رعایت عدالت حتی در نگاه به زبردستان فراخوانده تا مبادا بزرگان و زورمندان در نقض عدالت به نفع آن‌ها طمع ورزیده و ضعفا در عدالتش نسبت به خود مأیوس گردند (نامه/۲۷).

۳. در دنیای امروز در اکثر محیط های نظامی، رابطه میان فرماندهان و افراد تحت امر بیشتر روابط خشک نظامی بوده و خیلی به مسائل عاطفی و رسیدگی به مشکلات زیردستان توجه ندارند و یا اینکه در اولویت کارهای آنان نیست. در صورتی که در تمام بحث های مربوط به نظامیان در عهدنامه مالک اشتر، امام به جای پرداختن به اهمیت آموزش های نظامی و یا تجهیزاتی، به امور معنوی و روانی فرماندهان و لشکریان توجه کرده و در حقیقت، مسائل معنوی و روانی را بیشتر عامل پیروزی و موفقیت می داند. مطلبی که در ادامه عهدنامه، خود حضرت امیر (ع) در مقام بیان علت برای این دستور می فرماید: «زیرا محبت و مهربانی تو به آنان دل هایشان را به تو می کشاند...» (نامه/۵۳) جالب اینکه امام (ع) برای دوام و بقای حکومت ها نیز روی مسئله قدرت ظاهری و تسلط لشکر و نیروی انتظامی و اطلاعاتی بر مردم تکیه نمی کند، بلکه تمام تکیه اش بر دل های مردم و جنبه های عاطفی آنان است (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ ش: ۴۷۴-۴۷۵؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۵۳/۱۷)؛ بنابراین همدردی و رسیدگی به امور دنیوی زیردستان یکی از شاخصه های مهم یک فرمانده شایسته است.

تشویق به مورد و به موقع زیردستان

از دیگر مواردی که حضرت امیر (ع) نسبت به فرماندهی خود مالک تأکید دارد، تشویق های مادی و روحی و روانی است، ولی تأکید می کند که بایستی به مورد و به موقع باشد، آنجا که می فرماید: «میدان آرزوها را در برابر سپاهت وسعت بخش (آرزوهای سپاهیان را برآور) و پیوسته آن ها را تشویق نما و پیاپی کارهای مهمی را که افرادی از آن ها انجام داده اند برشمار، زیرا یادآوری زیاد کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را برمی انگیزاند و ترسوها را به تلاش وامی دارد، این شاء الله. سپس ارزش زحمات هر یک را به دقت بشناس و هرگز کار خوب کسی را به دیگری نسبت نده و ارزش خدمت او را کمتر از آنچه هست به حساب نیاور؛ مبدا شرافت و بزرگی کسی موجب شود که کار کوچکش را بزرگ بشماری و گمنامی کسی سبب گردد که کار بزرگ او را ناچیز به حساب آوری» (نامه/۵۳)

همان گونه که ملاحظه می شود، حضرت امیر (ع) ضمن دعوت به تشویق مادی و روانی زیردستان، تأکید می کند که مالک باید کاملاً مراقب بوده و ارزش زحمات نفرات زیردست را بشناسد و اگر کسی انجام دهنده اصلی کار مهمی بوده آن را به حساب او بگذارد و نه تنها خادم اصلی معرفی شود بلکه دقیقاً میزان خدمت او نیز ارزیابی شود. در انتها می فرماید اول به عمل نگاه کن، نه به عامل، عامل هر که می خواهد باشد، مهم آن است که عمل چقدر ارزش دارد، مبدا

بزرگی یا کوچکی مقام کسی در تشویق او موثر باشد(نک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ ش: ۴۷۶/۱۰-۴۷۸).

دوری از سستی و لغزش و پرهیز از کندی و عجله با توجه به موقعیت

حضرت امیر(ع) در دستورالعملی به دو تن از امیران لشکر خود، زیاد بن نصر و شریح بن هانی، زمانی که مالک اشتر را به فرماندهی آنان می‌گمارد، دلیل انتخاب او را دوری از سستی و لغزش و پرهیز از کندی و عجله با توجه به موقعیت، می‌داند و می‌فرماید: «...فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا يُخَافُ وَهَنَهُ وَ لَا سَقَطَتُهُ وَ لَا بَطُوَهُ عَمَّا الْإِسْرَاعُ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ وَ لَا إِسْرَاعُهُ إِلَيَّ مَا الْبَطْءُ عَنْهُ أَمْثَلُ» (نامه/۱۳)

ابن ابی الحدید بعد از نقل این نامه از حضرت امیر(ع)؛ سخنانی را از برخی آدم‌های مشهور در خصوص نحوه مدیریت و تدبیر امور جامعه، تحت عنوان: «نبذ من الأقوال الحكيمه» نقل کرده، در پایان می‌گوید امیرالمومنین(ع) همه آنچه را این گروه بیان کرده‌اند در کلمه واحدی خلاصه کرده و در مورد اشتر فرموده و به جمله آخر همین فراز استناد می‌کند.(ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۱۰۳/۱۵)

برعکس قضیه مالک اشتر، حضرت امیر(ع) در ضمن نامه‌ای به کمیل بن زیاد فرماندار «هیت»، سستی و ترک مقابله او با لشکریان مهاجم شام را نکوهش نموده و می‌فرماید: «پس از یاد خدا و درود! سستی انسان در انجام کارهایی که بر عهده اوست و پافشاری در کاری که از مسؤولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار و اندیشه ویرانگر است...» (نامه/۶۱)

مخالفت با هوای نفس و دفاع عملی از دین و شعائر دینی

حضرت امیر (ع) در ضمن نامه‌ای به محمدبن ابی بکر چنین می‌فرماید: «بدان ای محمد بن ابی بکر، من تو را سرپرست بزرگ‌ترین لشکر، یعنی اهل مصر، قرار دادم؛ بنابراین شایسته است که با خواسته‌های دلت مخالفت کرده و از دینت دفاع کنی،... نماز را در وقت خودش به جای آر، نه آنکه به هنگام بیکاری در انجامش تعجیل کنی و نه آنکه به هنگام اشتغال به کار آن را تأخیر بیندازی و بدان تمام اعمال تابع نماز تو خواهد بود» (نامه/۲۷)

جهاد با نفس بر همه لازم، و بر والیان و فرمانداران، لازم‌تر، زیرا در صورت پیروی از هوای نفس، ظلم و فسادشان عملی شده و مناطق و آدم‌های تحت فرمانشان را نیز فرامی‌گیرد. بعد از جهاد با نفس، تأکید آن حضرت بر دفاع از دین تا آخرین لحظه عمر است؛ و اینکه یک فرمانده اسلامی نباید به خاطر رضایت دیگران، خدای متعال را به خشم آورد، چراکه کسی نمی‌تواند جای

او را بگیرد، ولی رضایت خدا بجای همه کس کفایت می کند. سپس امام(ع) در چهارمین توصیه خود به مسئله مهم نماز که از مهم ترین ارکان اسلام است، تأکید می فرماید؛ که گفته شده منظور خواندن نماز در وقتش(ابن اَبی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۱۶۸/۱۵) و یا تأکید بر نماز اول وقت در هر شرایطی است(ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ ش: ۳۶۵/۹-۳۶۹). در آموزه های دینی به برگزاری نماز در اول وقت تأکیدات فراوانی شده و آثار زیادی بر آن مترتب است(نک: کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳/۲۶۸). بنابراین یک فرمانده اسلامی بایستی در کنار مخالفت با هوای نفس، نسبت به دفاع عملی از دین و شعائر آن از جمله اقامه نماز در اول وقت آن، کوشا بوده و کوچک ترین سستی به خرج ندهد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

بعد از بررسی و تحلیل داده ها نتایج ذیل احصاء گردید:

۱- به طور کلی مدیریت به علت نقش مستقیم در سرنوشت دنیوی و اخروی آحاد جامعه، اهمیت زیادی داشته و شکوفایی و رکود هر جامعه ای با نوع مدیریت در آن جامعه رابطه مستقیم دارد. همانگونه که مدیران شایسته و توانمند به خاطر کارآمدی نتایج بسیار مثبتی در سطح جامعه خواهند داشت در مقابل مدیران نالایق و ضعیف، آثار بسیار سوئی در سطح جامعه و زیردستان بجا خواهند گذاشت. در این راستا نحوه عملکرد فرماندهان نظامی از آنجا که مسئولیت مهم امنیت سازی و امانت داری همه جانبه را بر عهده دارند، بسیار تأثیرگذار می باشد.

۲- در منابع دینی مخصوصاً در قرآن کریم و نهج البلاغه، در خصوص شخصیت فرمانده و نحوه انتخاب و مدیریت او بر زیردستان، ویژگی هایی مطرح شده که توجه به آنها جهت انتصاب فرماندهان شایسته و در تراز نظام اسلامی و نحوه مدیریت آنان اهمیت بسیار زیادی دارد. که در این تحقیق تلاش گردید ویژگی هایی که به طور صریح در خصوص فرمانده شایسته از منظر این دو منبع مهم دینی مطرح شده بود، شناسایی، تحلیل محتوا و تفسیر و تحلیل گردد.

۳- بعد از تحلیل محتوا، ویژگی های احصاء شده در دو مقوله کلی ویژگی های شخصیتی و رفتاری طبقه بندی گردیدند؛ از جمله این ویژگی ها در زمینه شخصیتی: داشتن تعهد و شایستگی لازم و قدرت علمی و جسمی، اهل بصیرت و صبر و عالم به مواضع حق بودن، خیرخواهی، پاک دل و بردبار بودن، قدرت فهم حکم خدا و رسول (ص) می باشند؛ و در زمینه رفتاری: امانت داری، حفظ تقوای الهی و پرهیز از بغی و تعدی، مواسات و رسیدگی به امور دنیوی زیردستان، تشویق

به مورد و به موقع زبردستان، دوری از سستی و لغزش و پرهیز از کندی و عجله با توجه به موقعیت، مخالفت با هوای نفس و دفاع عملی از دین و شعائر دینی هستند.

۴- ویژگیهای شخصیتی و رفتاری لازم و ملزوم یکدیگر بوده و با تحقق همزمان هر دوی آنهاست که شایستگی یک فرمانده از نظر منابع دینی تکمیل و تأیید می‌گردد.

۵- تدبیر در این ویژگی‌های بیانگر آن است که فرمانده غافل از معارف دینی و خارج از صراط عدالت و تقوا، صلاحیت احراز پست فرماندهی را ندارد. همینطور ویژگی مهم عملی یک فرمانده شایسته اطاعت‌پذیری و تواضع در برابر رهبر برحق خود و در مقابل، سرسختی در مقابل دشمنان او می‌باشد.

۶- دین مبین اسلام به روحیه لشکریان بیش از آماده‌سازی عملی آنان توجه داشته و لشکریان، در مواجهه و دفع دشمن به ایمان و روحیه قوی بیش از اتکای به نیروی بدنی و تجهیزات صرف نیاز دارند و این دلیل اصلی پیروزی مجاهدان فی سبیل الله در طول تاریخ اسلام با وجود کمی عده و عده بوده است.

۷- در مقایسه یافته‌های این تحقیق با پیشینه‌های ارائه شده؛ در این تحقیق، علاوه بر نهج البلاغه، برخی ویژگی‌های فرماندهان و مدیران نظامی از قرآن کریم نیز شناسایی و به انگیزه ارائه تحلیل‌های قوی از تفاسیر مشهور شیعه و سنی به صورت تطبیقی استفاده شده است.

پیشنهادهات

۱- از یافته‌های این مقاله در فرم‌های گزینش و ارزیابی عملکرد مدیران و فرماندهان استفاده گردد؛ فرم‌های یاد شده، بازنگری و این ویژگیها در آنها لحاظ گردد.

۲- در دوره‌های طولی و عرضی که برای توانمندسازی فرماندهان و مدیران و ارتقاء آنان وجود دارد (دوره‌های عالی رسته‌ای، دافوس و دعا و ...) آموزش ویژگیهای شناسایی شده، مد نظر قرار گیرد.

منابع

الف- منابع فارسی

- قرآن کریم (۱۳۷۳ش)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، عربستان سعودی، مکتبه نزار
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید*، قم، مکتبه المرعشی النجفی
- ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). *التحریر و التنویر*، بی جا
- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر
- انصاریان، علی (۱۳۶۶ش). *شرح نهج البلاغه المقتطف من بحار الانوار*، ج ۳، تهران، وزارت فرهنگ
- ایروانی، محمد رضا (۱۴۰۱ش). مقاله مفهوم شناسی و ارائه الگوی فرماندهی مطلوب در ایران باستان بر اساس روایت شاهنامه فردوسی با تمرکز بر روایت جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب، *مدیریت نظامی*، دوره ۲۲، ش ۸۵، صص ۶۵-۹۸
- جعفری، رضا و زارعی، حبیب الله (۱۴۰۰ش). مقاله تحلیلی بر مؤلفه های معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی (ع) در نهج البلاغه. *فصلنامه مدیریت نظامی*، دوره ۲۱، ش ۸۱، صص ۹۵-۱۳۶
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ش). *تفسیر تسنیم*، ج ۱۱، تحقیق: سعید بندعلی، قم، اسراء
- (۱۳۸۹ش). *تفسیر تسنیم*، ج ۱۹، تحقیق: سعید بند علی، قم، اسراء
- خیر گو، منصور و عباس زاده، ناصر (۱۳۹۹ش). مقاله ارائه الگوی فرماندهی و مدیریت در سازمان های دفاعی از منظر امام علی (ع): پژوهشی کیفی مبتنی بر تحلیل مضمون. *فصلنامه مدیریت نظامی*، دوره ۲۰، ش ۷۷، صص ۵۱-۸۰
- درویشی، صیاد و بختیاری، لطفعلی و افراسیابی، علی (۱۳۹۹). مقاله معیارهای انتصاب فرماندهان و مدیران انتظامی در آموزه های مکتب شهید سلیمانی، *مجله نظارت و بازرسی*، دوره ۱۴، ش ۵۳، صص ۸۱-۱۰۰.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیة
- رشید زاده، فتح الله و جعفری، رضا (۱۳۹۹ش). مقاله ابعاد و مؤلفه های راهبردی فرماندهی نظامی بر اساس آموزه های امیرالمؤمنین، امام علی (ع)، در نهج البلاغه. *فصلنامه مدیریت نظامی*، دوره ۲۰، ش ۷۷، صص ۱۲۱-۱۶۰

- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بیروت، دار الكتاب العربی
- شریف رضی، محمد (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه امام علی (ع)*، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت
- سیوطی شافعی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق). *الدّر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی
- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (۱۳۷۶ش). *الأمالی*، چاپ ششم، تهران، کتابچی
- (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، چاپ دوم، تهران، اسلامیه
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو
- طبری آملی، عمادالدین محمد (۱۳۸۳ ق). *بشاره المصطفی لشیعۀ المرتضی*، نجف، المکتبه الحیدریه
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- عبده، محمد (بی تا)، *شرح نهج البلاغه*، قاهره، مطبعه الاستقامه
- عمید، حسن (۱۳۷۹ش). *فرهنگ عمید*، تهران، امیر کبیر
- فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ ق). *مفاتیح الغیب*، چاپ: سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق). *الصفای*، تهران، صدر
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش). *تفسیر قمی*، تحقیق: سید طیب موسوی، قم، دار الكتاب
- کهن، نبی الله و صفری، علی و گلشاهی، بهنام (۱۳۹۴). مقاله بررسی رفتار و صفات شخصیتی فرماندهان نظامی بر اساس بیانات امام علی (ع)، *فصلنامه منابع انسانی ناجا*، سال دهم، شماره ۴۰
- لزگی، علی نقی و صافحیان، جعفری (۱۳۹۹)، مقاله مولفه های آمادگی دفاعی فرماندهی و مدیریت نظامی در نهج البلاغه، *فصلنامه مدیریت نظامی*، دوره ۲۰، ش ۷۹، ۱۱۵-۱۴۴.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإختصاص*، قم، المؤتمر العالمی لالیفیه الشیخ المفید
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۷ ش)، *پیام امیر المومنین (ع)*، جلد ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- (۱۳۹۰ ش). *پیام امیر المومنین (ع)*، جلد ۹ و ۱۰، قم، امام علی بن ابیطالب (ع)
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ ق). *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الإسلامیه

- Roberts, R. (2018). Twelve Principles of Modern Military Leadership. NCO Journal, 1-8.
- U.S. Army, Leader Development, FM 6-22 (Washington, D.C.: U.S. Government Printing Office, June 31, 2015), chap.1, pp.3, <http://www.milsci.ucsb.edu/sites/secure.lsit>.



Analytical Research on the Personality and Behavioral Characteristics of Commanders and Military Managers in the Teachings of the Holy Quran and Nahj al-Balagha

Reza Faghihzade^{1*}

Ali Farhadi²

Ayatollah Esmaili³

Abstract

Some indicators have been proposed in the teachings of the Holy Quran and Nahj al-Balagha that their identification and analysis are very important and helpful in process of selection and management of military forces. This study aims to identify and analyze the personality and behavioral characteristics of commanders and military managers in teachings of the holy Quran and Nahj al-Balagha. This research is applied in terms of purpose; descriptive-analytical in terms of method; and it was done in two stages: The first stage of the research is the content analysis method and the second stage is the descriptive-interpretive method. The sample community of the research is the Holy Qur'an and Nahj al-Balagha. Coefficient of agreement between the coders and the multi-strain of the sources were used for validity and reliability. The results show that the most important characteristics of a competent military manager in these two important religious sources can be classified in two categories; 1. character: commitment, scientific and physical strength, insight, patience, knowledge of the truth, benevolence, purity of heart, the ability to understand the ruling of God and the Messenger; and 2. behavior: trustworthiness, piety and avoiding rebellion, understanding with subordinates, encouraging subordinates in a timely manner, avoiding laxity and slippage and avoiding slowness and haste according to the situation, opposing the ego and practical defense of religion and religious rituals. By achieving these two categories, a military manager is acceptable from the perspective of the Holy Qur'an and Nahj al-Balagha.

Keywords: Military Managers, Commander, Holy Quran, Nahj al-Balagha, Imam Ali

1 Ph.D. in Comparative Interpretation, Assistant Professor at Shahid Sattari Aeronautical University, Tehran, Iran, (Corresponding Author): faghihzadeh.r@yahoo.com

2 Assistant Professor in Management, Shahid Sattari Aeronautical University, Tehran, Iran.

3 M.A.in Criminal Law and Criminology, Islamic Studies Department, Khatam University, Tehran, Iran.